

با تمام این احوال و بهرغم پیشرفتهایی که در ابتدای امر در روند تأسیس و بالاخص مشارکت عمومی برای سرمایه‌گذاری نقدی در بانک ملی بروز کرد به تدریج و به دلایل عدیده داخلی و خارجی ادامه کار با مشکلات جدی روبه‌رو شد. در واقع کم‌کم این احساس عمومی به وجود آمد که پولهایی که به نام اعانه و یا خرید اوراق مشارکت به مؤسسين و دست‌اندرکاران جهت گشایش بانک ملی تسلیم می‌شود بدون اینکه به پیشرفت کار بانک کمکی بکند، در راههای ناصواب به مصرف رسیده و به هدر می‌رود. روزنامه ندای وطن در مطلبی تحت عنوان «اعتراض یکی از بزرگان» به این امر چنین اشاره می‌کند:

... اول آنکه در تمام ایران هشتاد کرور تومان پول نقد پیدا نمی‌شود، شما چگونه متوقع هستید چیزی که نیست پیدا شود. ثانی اینکه این وجه را یا کمتر یا بیشتر بنده و امثال بنده با هزار جان‌کندن و حق و ناحق تحصیل کرده‌ایم که خودمان و

کسان مان از آن فایده برداریم و گذران کنیم، حالا به چه اطمینان به بانک ملی بدهیم. ضامن این بانک کیست، مدیر و رئیس کیست، با صاحبان وجه به چه قسم معامله می‌نمایند. کی پس می‌دهند و چه وقت به حساب او رسیدگی می‌شود؟<sup>۱۸</sup>

روزنامه ندای وطن پیش از آن بارها با انتشار مطالبی در لزوم تأسیس بانک ملی و حمایت عمومی از این بانک بالاخص از کسانی که دارای ثروت و مکنت عمده‌ای بودند، ولی به دلایلی حاضر به کمک و سرمایه‌گذاری در این بانک جدیدالتأسیس نبودند انتقاد کرد. از جمله یک بار نوشت:

... مردهای از زن کمتر کسانی هستند که پولهای عمده نقد دارند و به بانکهای خارجه می‌سپارند و به بانک ملی که حافظ دین و ناموس مملکت است نمی‌دهند، مسلماً این مردها هزار درجه از این زن کم‌ترند بلکه چون غیرت ندارند و آبادی وطن خود را نمی‌خواهند و پاس حقوق دولت را نگاه نمی‌دارند لفظ آدمیت را از وجود منحوس خود لکه‌دار نموده‌اند...<sup>۱۹</sup>

این روزنامه در واپسین روزهای تلاش مجلس شورای ملی برای تأسیس بانک ملی که دیگر امید کمتری هم به پا گرفتن این بانک در دست طرح می‌رفت، بار دیگر ثروتمندان و اهل مکنت را متهم کرد که هیچ‌گونه احساس وطن پرستی نداشته، بلکه بیش از هر چیز به منافع شخصی خود توجه نشان می‌دهند و آنان را نکوهش کرد که پولهای خود را به بانک شاهنشاهی و استقراضی می‌سپارند اما حاضر نیستند با سرمایه‌گذاری در بانک ملی قدمی در راه استقلال کشور بردارند. در بخشهایی از این نوشتار روزنامه ندای وطن چنین می‌خوانیم:

... حالا برگردیم به وطن عزیز خودمان: اولاً از صدی پنج نفر امروز صاحب حس وطن پرستی نیستند و علاوه از آنکه مال را در راه حفظ استقلال وطن نمی‌دهند بلکه استقلال وطن را برای آسودگی شخصی و تحصیل مال تقدیم می‌نمایند. به کدام دلیل، به این دلیل که بزرگان مملکت خودشان را به دول همسایه بسته‌اند و از وابستگی به آنها افتخار می‌کنند و هر روز انتظار می‌کشند که آنها بیایند و این مملکت را اداره کنند پولهای خود را صدی سه به بانکهای خارجه می‌دهند و حاضر

۱۸. روزنامه ندای وطن، سال اول، ش ۶۸، دوشنبه ۲۱ شعبان ۱۳۲۵، ص ۴.

۱۹. همان، سال اول، ش ۱۵، شنبه ۲۴ محرم ۱۳۲۵، ص ۳.

نیستند در داخله مملکت از قرار صدی دوازده بدهند.....<sup>۲۰</sup>

در مقابل این‌گونه موضع‌گیریها کسان دیگری هم بودند که به دلایل عدیده امکان جمع‌آوری پول لازم از منابع داخلی را برای تأسیس و تشکیل بانک ملی منتفی می‌دانستند و اعتقاد داشتند که اصلاح تشکیلات مالی کشور جز از طریق استقراض از بانکهای خارجی حل نخواهد شد. چنانکه عین‌السلطنه از درباریان آن روزگار که به‌رغم موضع‌گیریهای سیاسی اش نوشته‌هایش قضاوتی نسبتاً بی‌طرفانه از اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر کشور ارائه می‌دهد، درباره بحران مالی حاکم بر کشور و لزوم اخذ وام از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی چنین می‌نویسد:

و بدانید تمام این ابتلا و گرفتاری اصلاح امور ممکن نمی‌شود مگر با داشتن پول و پول امروز برای ما میسر نمی‌شود مگر در صورت یک استقراض کلی و آن هم ممکن نمی‌شود مگر از خارجه و آن عقیده اولیه شما که بر ضد استقراض خارجی بود به کلی لغو و غلط است. چنانچه بعد از یک سال با آن همه مذاکرات و افتضاحات دیدید بانک ملی تشکیل نشد و نخواهد شد. این است علمی و تجربه‌ای که در این مدت تحصیل شده و ممکن نیست تهیه پول مگر به وسیله استقراض خارجی. پس باید جداً و اکیداً در مقام تهیه و تحصیل برآیید و خارجه را مطمئن نمایید قرض بدهند. قرض خارجی هم ننگ نیست و تمام دول معتبری مقروض به دول دیگر هستند و ابداً سلب اعتبار دولتی آنها را نمی‌کند. چون در بدو امر صحبت استقراض بود به قدری وکلا نفرت کردند و بدگفتند و از بانک ملی شاهنامه خواندند که حساب نداشت. همین تنفر و صحبت آنها باعث شد که بانک روس و انگلیس پول نداد تا بدانند تفصیل از چه قرار است و به این روز گدایی و فقر و مسکنت افتادیم که خدا نصیب هیچ ملتی نکند.<sup>۲۱</sup>

در واقع مجلس شورای ملی به‌رغم وعده‌هایی که جهت تهیه پول به دولت داده و حتی قرارنامه‌ای هم برای چگونگی اخذ وام از بانک جدیدالتأسیس ملی توسط دولت تهیه کرد،<sup>۲۲</sup> اما به خاطر فقدان نقدینگی لازم این طرح مجلس صورت عملی به خود

۲۰. روزنامه ندای وطن، سال دوم، ش ۲۴۹، دوشنبه ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶، ص ۲.

۲۱. قهرمان میرزا سالور (عین‌السلطنه). خاطرات عین‌السلطنه (قهرمان میرزا سالور). به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران، نشر اساطیر، ۱۳۷۷. جلد سوم، چاپ اول. ص ۱۸۳۵.

۲۲. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند ۲۹۲۷۹-ق و سند ۲۹۲۸۰-ق.

نگرفت و هیئت دولت و درباریان به انحاء مختلف محمدعلی شاه را از فکر اخذ وام از بانک ملی منصرف کرده لزوم اخذ وام از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی را گوشزد می‌کردند.<sup>۲۳</sup> و از آنجایی که محمدعلی شاه به هنگام تأیید نظامنامه بانک ملی شرط تشکیل آن را امکان اعطای وام به دولت اعلام کرده بود، به تدریج و به دنبال عجز این بانک در پرداخت پول مورد نیاز دولت لزوم استقراض از منابع خارجی مورد توجه دولت و نیز مجلس شورای ملی قرار گرفت.<sup>۲۴</sup> در همان حال برخی اعتقاد داشتند که حتی برای پاگرفتن بانک ملی هم گریزی از استقراض از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی وجود ندارد و پیشنهاد می‌کردند مبلغی کلی از این بانکها اخذ شود تا به عنوان سرمایه اولیه بانک جدیدالتأسیس ملی منظور شده و در همان حال نیازهای روزمره مالی دولت نیز از طریق همین وام دریافتی برطرف شود. اما چنانکه برخی ناظران به درستی خاطر نشان می‌کردند بانکهای شاهنشاهی و استقراضی هرگز حاضر نبودند چنین وامی در اختیار دولت و مجلس ایران قرار دهند و هدف نهایی آنان تداوم وابستگی مالی دولت به آنها بود. چنانکه روزنامه ندای وطن در این باره چنین نوشت:

... بعضی را عقیده این است که یک مبلغ کلی که تقریباً صد کرور باشد از خارجه قرض شود... اما می‌گوییم این کار امروز ممکن نیست چرا که دولت‌های مجاوره ما هرگز راضی نمی‌شوند به اندازه احتیاج و لزوم به ما پول بدهند، چرا که راضی نیستند ما مشغول اصلاحات مملکتی بشویم. بلی دولت روس و انگلیس حاضر هستند که به قدر سه چهار کرور به ما قرض بدهند که بر احتیاجات ما و بر نفوذ آنها افزوده شود و ما امروز نمی‌توانیم یک دینار از دولت‌هایی که در مملکت ما نفوذ پل‌تیکی دارند قرض کنیم...<sup>۲۵</sup>

بدین ترتیب و در حالی که بحران مالی دولت فراگیر شده و بخش اعظمی از تعهدات دولت به بانکهای خارجی و نیز ارباب حقوق و غیرو از طبقات مختلف به عهده تعویق افتاده و در مقابل مجلس شورای ملی نیز در تهیه پول از منابع داخلی موفقیتی حاصل نکرده بود، به تدریج بحث لزوم اخذ وام از کشورهای خارجی در میان نمایندگان مجلس مطرح مذاکره شد. با این حال هنوز نمایندگان اعتقاد داشتند که هرگاه نیازی هم به استقراض خارجی پیدا شود این وام نباید از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی اخذ شود.

۲۳. هاشم محیط‌مافی. پیشین. صص ۲۳۹ و ۲۴۵-۲۴۳. ۲۴. همان. صص ۲۳۰-۲۲۸.

۲۵. روزنامه ندای وطن، سال اول، ش ۱۰۲، یکشنبه ۳ شوال ۱۳۲۵، ص ۳.



در این برهه نمایندگان بیشتر تمایل داشتند وام مورد نیاز از کشور بی طرفی نظیر فرانسه اخذ شود. هارتویک سفیر وقت روسیه در تهران در ۲۱ ژانویه ۱۹۰۸ / ۱۷ ذی حجه ۱۳۲۵ در این باره چنین گزارش می دهد:

تلاش ناموفق مجلس برای سر و سامان دادن به اوضاع مالی از طریق امکانات مملکت و مردم، نمایندگان را ناگزیر با طرح دریافت قرض خارجی که قبلاً حاضر نبودند حتی کلمه‌ای هم در این مورد بشنوند موافق ساخت.

در حال حاضر برعکس جلسه‌ای نیست که در آن یکی از اعضاء پارلمان به این مسأله جانسوز که آینده ایران به حل مساعد مسائل آن بستگی دارد اشاره نکند.

به وزیران پیشنهاد شده است با جدیت شرایط ممکنه برای دریافت چنین وامی را بررسی کرده و در این باره گزارش مفصلی به مجلس تقدیم دارند. در کمیسیون مالی مجلس ظاهراً کار فوری در مورد تهیه لوایح مختلفی جریان دارد. وزیر مالیه اغلب در مورد همین مسأله با همکاران خود جلسه کرده و امیدوار است تا آمدن قریب الوقوع مشاور فرانسوی مالیه [بیزو] مطالب کاملی را برای بررسی صحیح در مورد اوضاع کلی اقتصادی کشور و منابع آن جمع آوری کند.

ابتدا در اینجا این نظر حاکم بود که ایران برای خروج از مشکلات موجود به وامی به مبلغ حداقل ۵۰ میلیون تومان احتیاج دارد ضمناً پیش بینی می شد تنها فرانسه به عنوان یک قدرت اروپایی آن هم به شرط آنکه همه تضمینات لازم از طرف روسیه و انگلیس داده شود این مبلغ عظیم را بپردازد.

در مجلس جناح دیگری نیز شکل گرفته که آشکارا نسبت به صنیع الدوله وزیر مالیه همدردی می کند. به نظر این افراد، در حال حاضر در کشور منابع کافی که

بتواند پرداخت این قرض سنگین را تأمین کند وجود ندارد و به همین دلیل ایران می‌تواند در وهله اول با دریافت یک قرض فوری به میزان ۱۰ تا ۱۵ میلیون فرانک نیازهای کاملاً ضروری خود را برطرف سازد، سپس همزمان به فکر برقراری مالیاتهای غیرمستقیم بر روی بعضی از کالاهای مصرفی بیفتد تا این اقدام به افزایش درآمد دولت کمک کرده و منبع مطمئنی برای بازپرداخت قرض بعدی فراهم آید. اقدام مالی اخیر به نظر گروه نامبرده مزیت دیگری نیز دارد و آن اینکه بانکهای خصوصی کشورهای مختلف که سعی وافر و مصرانه‌ای برای کسب امتیازات سیاسی در ایران ندارند نیز می‌توانند در این معامله مشارکت کنند.

ضمناً همه در این امر متفق‌القولند که تصمیم نهایی در مورد این قرض باید پس از بررسی و نتیجه‌گیریهای مقتضی مشاور مالی فرانسوی اتخاذ شود. وی قرار است به زودی از فرانسه بیاید و در تهران با بی‌صبری در انتظار آمدنش هستند.

نمایندگان دول خارجی مقیم اینجا نیز به نوبه خود علاقه وافر نسبت به کاری که به آقای بیزو محول شده است نشان می‌دهند. در مراجعات مکرری که آنها به من و کاردار بریتانیا در مورد برنامه کار مشاور فرانسوی داشتند هم مارلینگ و هم من، دائماً خاطرنشان می‌ساختیم که کارشناس خارجی یاد شده به ابتکار خود دولت ایران به اینجا دعوت شده است....<sup>۲۶</sup>

اما برخلاف انتظاری هم که می‌رفت نه بیزو مستشار مالی فرانسوی و نه بانکهای فرانسوی اقدامی برای تهیه نقدینگی لازم برای دولت ایران انجام ندادند<sup>۲۷</sup> و بدین ترتیب بحران مالی و به تبع آن آشفتگی سیاسی کماکان ادامه یافت.<sup>۲۸</sup> بگذریم از اینکه در همان زمان دولت ایران هر از چندگاه از بانک استقراضی برای برخی مصارف ضروری مساعده‌هایی محدود اخذ می‌کرد.<sup>۲۹</sup>

از این مسائل که بگذریم بانکهای شاهنشاهی و استقراضی در جلوگیری از تأسیس

---

۲۶. کتاب نارنجی. به کوشش احمد بشیری. ترجمه حسین قاسمیان. تهران، نشر پرواز، ۱۳۶۷. جلد اول، چاپ دوم. صص ۱۳۵-۱۳۴.

۲۷. عباس اسکندری. کتاب آرزو یا تاریخ مفصل مشروطیت ایران. تهران، انتشارات غزل، ۱۳۶۱. چاپ دوم. صص ۲۲۶-۲۲۱.

۲۸. غلامعلی‌خان عزیز السلطان (ملیجک ثانی). روزنامه خاطرات عزیز السلطان. به کوشش محسن میرزایی. تهران، انتشارات زریاب، ۱۳۷۶. جلد دوم، چاپ اول. صص ۱۱۱۵، ۱۱۹۸-۱۱۹۷.

۲۹. کتاب نارنجی. جلد اول. ص ۱۸۳.

بانک ملی نقش قابل توجهی برعهده داشتند. بخش عمده‌ای از حقوقی که طی نظامنامه مربوطه به بانک ملی داده شده بود با منافع تجاری - اقتصادی بانکهای مذکور در مابینت بود و مدت کوتاهی پس از انتشار این نظامنامه هم دو بانک مراتب اعتراض خود را نسبت به مفاد آن اعلام کردند<sup>۳۰</sup> و در همان حال با در پیش گرفتن سیاستهای انقباض پولی بیش از پیش بر بحران مالی دامنگیر دولت افزودند. چنانکه ادوارد براون در این باره می‌نویسد:

اشکال تراشیدهای دیگری از طرف بانکهای روس و انگلیس سد راه شد تا آنجا که در قوه داشتند اشکال کمیابی پول را به میان آوردند، چه معتقد بودند و مسلم بود که اگر بانک ملی با سرمایه شش میلیون تومان در ایران به وجود آید آنها دیر یا زود کار از دستشان بیرون رفته و مجبور خواهند شد پی کار خود بروند.<sup>۳۱</sup>

قهرمان میرزا سالور (عین‌السلطنه) هم در خاطرات ۸ شوال ۱۳۲۵ خود به سیاست انقباض پولی بانکهای روس و انگلیس جهت تحت فشار قرار دادن دولت ایران چنین اشاره می‌کند:

در اول خارجه پول قرض می‌دادند این حکایت بانک ملی و این دروغهای ما اسباب آن شد که ندادند و حال هم نمی‌دهند، زیرا پلتیک آنها از این راه بیشتر از پیش پیشرفت کرد. می‌بینند فقر ما زودتر باعث هلاکت است. حالا بانک استقراضی که هرچه آنجا برده می‌شد گرو برداشته پول می‌داد الماس و زمرد هم که می‌بری بر نمی‌دارد و پول نمی‌دهد.

از روزی که این هیاهو [تأسیس بانک ملی] برخاسته دو بانک انگلیس و روس قطع معامله کرده این است صد دینار پول پیدا نمی‌شود. لیره شش تومان به چهار تومان رسید و خریدار ندارد، اگر صد تومان هم صبح به بازار بیاید غروب داخل بانک می‌شود و بیرون نمی‌آید. از قرار معلوم بانک روس سوای طلبی که از دولت دارد چهل کروور از تجار طلب دارد و زور آورده مطالبه می‌کند. این است قحط پول شده و از هر سمت گرفتار فقر شده‌ایم.<sup>۳۲</sup>

در همان حال هنگامی که دولت و مجلس ایران در صدد برآمدند جهت تأمین سرمایه

۳۰. پیشین. به کوشش حسن معاصر. ص ۳۲۱.

۳۱. احمد اشرف. موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه. تهران، انتشارات زمینه، ۱۳۵۹. چاپ

اول. ص ۱۰۳. ۳۲. قهرمان میرزا سالور (عین‌السلطنه). پیشین. جلد سوم. ص ۱۸۰۷.

اولیه بانک ملی قرضه‌ای تجارتمی از این دو بانک اخذ کنند با مخالفت هر دو بانک مواجه شدند.<sup>۳۳</sup> علاوه بر آن هر دو این بانکها در شرایطی که بحران مالی دولت بر کسی پوشیده نبود جهت هرچه بیشتر تحت فشار قرار دادن دولت و مجلس مکرراً بازپرداخت اقساط مطالبات خود از دولت ایران را خواستار شدند.<sup>۳۴</sup> از سوی دیگر فشار بانکها بر مشتریان خصوصی از طبقات مختلف شدت بیشتری پیدا کرد. به ویژه بانک استقراضی با اعمال فشار بر بدهکاران خود و مسدود ساختن اعتبارات مالی‌ای که پیش از آن در اختیار تجار و غیره قرار می‌داد عرصه را بر اولیای امور ایران تنگ ساخت. روزنامه *جبل‌المین* با اشاره به اعمال سیاستهایی از این نوع از سوی بانک استقراضی که آشکارا جهت جلوگیری از تأسیس و پاگرفتن بانک ملی صورت می‌گرفت، در این باره می‌نویسد:

یکی از وسایل عمده ضعیف کردن یک ملت قطع باب داد و ستد است تا دست تنگی عرصه را بر آنها تنگ نمایند و مجبور شوند هر شرایطی که تحمیل نمود مبلغی از طرف قرض کنند. ما به رأی العین مشاهده می‌کنیم که اجانب در دست تنگی ما می‌کوشند و روزبه‌روز حالت بی‌پولی بیشتر و رشته ثروت گسیخته‌تر گردیده و وضع کنونی طوری است که به واسطه نداشتن پول قادر به حرکت دادن یک یا صد قزاق نیستیم. تجار برای دو سه هزار تومان حیران و سرگردانند، بانک روسی که در حقیقت یکی از اسباب این کار است باب داد و ستد را بسته و متصل زور می‌آورد به وصول مطالبات خود. حتی از کسی که هزار تومان طلب دارد به گرفتن پنج تومان راضی می‌شود، زیرا که می‌داند گرفتن پنج تومان هم به یک اندازه گردش چرخ معامله را مانع می‌شود دور نیست بعد از این دیناری به احدی ندهد و به اسم برچیدن دکان زور به وصول مطالبات بیاورد.<sup>۳۵</sup>

علاوه بر آن اخباری وجود داشت که حاکی از تلاش بانکهای شاهنشاهی و استقراضی برای ایجاد شورش و بلوا در میان ارباب حقوق و کسانی بود که دستمزد آنان در عهده تعویق افتاده بود تا به تبع آن دولت و مجلس ایران در اخذ وام از بانکهای مذکور چاره‌ناپذیر گشته و از فکر تأسیس بانک ملی منصرف شوند.<sup>۳۶</sup> بدین ترتیب و به‌رغم

۳۳. کتاب آبی. جلد اول، ص ۵۲.

۳۴. همان. صص ۶۲-۵۹؛ پیشین. به کوشش حسن معاصر. صص ۲۳۹-۲۳۸.

۳۵. روزنامه *جبل‌المین*، سال اول ش ۱۱۵، شنبه ۵ شعبان ۱۳۲۵، ص ۱.

۳۶. پیشین. به کوشش حسن معاصر. جلد اول، ص ۱۳۱.



پیگیری‌هایی که از سوی مجلس شورای ملی برای تأسیس بانک ملی صورت می‌گرفت کارشکنی‌های بانکهای روس و انگلیس و نیز سفارت آن کشورها در تهران در جلوگیری از این اقدام ادامه یافت.<sup>۳۷</sup>

در همان زمان مذاکراتی میان دولت ایران با آلمانها جهت تأسیس شعبه‌ای از بانک شرقی آلمان در تهران و اعطای وامی کافی از سوی آن بانک به ایران جریان داشت<sup>۳۸</sup> و بیم آن می‌رفت که با سرگرفتن قرضه از آلمان نقشه بانکهای شاهنشاهی و استقراضی برای جلوگیری از تأسیس بانک ملی با شکست مواجه شود. به همین دلیل سفارتهای روس و انگلیس جهت جلوگیری از چنین اقدامی درصدد برآمدند پیش‌دستی کرده و وام مورد نیاز دولت و مجلس ایران را از طریق بانکهای شاهنشاهی و استقراضی بپردازند. سر اسپرینگ رایس در ۸ مارس ۱۹۰۷ در این باره به سردار دگری چنین گزارش می‌دهد:

وزیرمختار روس به این جانب اظهار می‌دارد که به موجب اطلاعات خاصی که به او رسیده رئیس مجلس شورای ملی با سفارت آلمان مناسبات صمیمانه دارد و عملاً تعهد کرده است که با کمک آلمانها بانک را تشکیل بدهد... وزیرمختار روس پیشنهاد می‌کند برای پیشگیری اقدام آلمان بانکهای روس و انگلیس خود پول لازم را به بانک ملی پرداخت کنند و بدین وسیله حق گرفتن امتیاز را برای کشورهای متبوعه خود در ایران تحصیل نمایند... اگر ما [انگلیسیها] خود را برکنار نگهداریم بیم آن می‌رود که آلمان یا روسیه موقعیت بلامنازعی بیابند.<sup>۳۹</sup>

اما چنانکه خواهد آمد آلمانها بالاخص با مخالفت هر دو کشور روس و انگلیس نتوانستند بانک مورد نظر را در تهران تأسیس کنند و طرح اعطای وام از سوی آن کشور به دولت ایران نیز متفی شده و بدین ترتیب دولتهای روس و انگلیس دیگر ضرورتی به پرداخت قرضه فوق به دولت ایران ندیدند.

بر اساس مدارک و گزارشهای موجود دولتهای روس و انگلیس جهت جلوگیری از تأسیس بانک ملی و نیز وادار کردن دولت و مجلس ایران به اخذ وام از بانکهای آن دو

---

۳۷. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره بنگرید به: فریدون آدمیت. ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران. تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۵. جلد اول چاپ اول. صص ۴۴۴-۴۳۸؛ فریدون آدمیت. همان. تهران، روشنگران، بی‌تا. جلد دوم، چاپ اول. صص ۸۴-۸۲؛ احمد اشرف. پیشین. صص ۱۰۳-۱۰۲ و هاشم محیط‌مافی. پیشین. صص ۴۲۸-۴۲۷. ۳۸. در مباحث آتی در این باره به طور مبسوط سخن به میان خواهد آمد.

۳۹. پیشین. به کوشش حسن معاصر. جلد اول ص ۱۹۸.

کشور به روشهای تخریبی دیگری نیز متوسل شدند که از جمله مهم‌ترین آن ایجاد شورشهای تصنعی و نیز تلقین ناامنی و نابسامانی سیاسی، اجتماعی و... در بخشهای مختلف ایران بود. روزنامه جبل‌المتین در این باره چنین می‌نویسد:

آخر هرچه کردند که شاید بی‌پولی عرصه را بر ما تنگ کند و مجبور به قرض شویم دیدند تاکنون که شدت سختی بود خودداری کردیم و تن به قرض ندادیم و بعد از این نیز اگر بودجه مالیه به همین ترتیبی که کار می‌شود و نورانیت می‌دهد اصلاح و تطبیق شود دیگر ممکن نیست یک ضرورتی ما را دعوت به استقراض نماید. بنابراین آثار اختلال در اطراف مملکت ظاهر شد... جنرال فرنچ به روسیه رفت که اگر در بعضی نقاط ایران اختلالی عارض شود چه باید کرد و حقوق دولتین از چه قرار منظور خواهد شد و قشون را کدام یک بفرستد و دو کشتی را به مراقبت در باکو لنگر افکند، لابد باید خبر غیبی داشته باشند زیرا که بعد از این توطئه بلافاصله در نقاط وطن ما اختلال شروع شد ترکمان در استرآباد و صفحه خراسان انقلاب و غلغله افکند، تجار روس در اصفهان از عدم تأمین شکایت کردند. بنابر خبر روزنامه دیلی تلگراف از پترزبورگ و کمپانی از کمپانیهای مشترک بین تبعه روس و آلمان چنین مخابره نموده‌اند که دکاکین شیراز را اشرار اهالی غارت و یغما نموده و اقدامات مؤثره سریعه به جهت جلوگیری لازم و حتمی و الا طلبکاران آنها از عهده ادای قروض بر نخواهند آمد. انتشار این خبر یک اثر کریهی در خاطرها دارد و اگر به زودی رفع این قبیل اغتشاشات برنیاید یا از اشرار و مثل معتمد دیوان امثال این حرکات را وسیله می‌کند که به حکم اضطرار یک ایالت را دستمزد خباثهایش قرار دهند جلوگیری نشود، پیداست چه عقباتی در پیش راه ما ظاهر خواهد شد... این شرارتها دو عیب دارد که یکی آنکه در این بی‌پولی و تنگدستی مبلغی خسارت این غائله و غارت را مطالبه خواهند نمود و تا درجه‌ای دولت مجبور به اداء می‌شود [و اگر نتواند بدهد به زانو درمی‌آید و مجبور به قرض از این دو بانک روس و انگلیس می‌شود] دیگر آنکه زبان دولتها باز می‌شود یعنی فتح‌الباب خیالات آنها شده در انظار باز بی‌تربیت و محتاج به قیم و پرستار جلوه می‌دهند.<sup>۴۰</sup>

در همان حال شایعاتی وجود داشت که حاکی از تلاشهای تخریبی بانکها و نیز سفارتهای روس و انگلیس در جلوگیری از یاری مالی اتباع ایرانی به بانک ملی در دست

تأسیس بود. در این باره بالاخص به قتل ارباب پرویز زرتشتی اشاره می‌شود که به دنبال تلاش بی‌وقفه زرتشتیان برای کمک به تأسیس بانک ملی اتفاق افتاد «و قتل او چنان وحشتی برانگیخت که آنان را از فکر کمک به ایجاد بانک [ملی] منصرف ساخت»<sup>۴۱</sup>

بدین ترتیب و در حالی که «کار [تشکیل بانک ملی در اوایل مشروطه و در طی مذاکرات مجلس] به زودی رونق زیاد گرفت و عامه ملت از خرد و بزرگ با آن خیال همراهی و مساعدت بسیار به منصفه ظهور رسانیدند... و خیلی جای امید بود که به زودی کار بانک [ملی] سر و سامان صحیحی بگیرد ولی از آنجایی که استحکام کار آن خرابی کار بانکهای روس و انگلیس در ایران بود ایشان در صدد مشکل تراشی و ایجاد موانع برآمدند و کار را به جایی رساندند که از بیم آن ایرانیان وجوه خود را از بانکهای آنها درآورده و در بانک ملی بگذارند. در تأدیه وجوه بنای سخت‌گیری را گذاشته و چندان اسباب‌شکنی و وسیله‌تراشیهای گوناگون نمودند که عاقبت کار بانک ملی سرنگرفت و داغی بر دل ایران‌پرستان بماند.»<sup>۴۲</sup>

روزنامه ندای وطن که در آن هنگام سخت از ایده تأسیس بانک ملی دفاع می‌کرد و از وابستگیهای عدیده سیاسی - اقتصادی‌ای که به خاطر حضور و نفوذ بانکهای شاهنشاهی و استقراضی در کشور ایجاد شده بود دولت و مجلس را تحویف و هشدار می‌داد، پس از آنکه واپسین تلاشهای مجلس برای تأسیس بانک ملی و تأمین سرمایه نقدی لازم از منابع داخلی برای آن با شکست مواجه شده و زمزمه لزوم اخذ وام از بانکهای خارجی (شاهنشاهی و استقراضی) از سوی نمایندگان مجلس و دولت و دربار برخاست طی مطلبی که گویا یکی از آگاهان به امور برای آن ارسال کرده بود، تلاشهای ناموفق مجلس در تأسیس بانک ملی را چنین سرزنش آلود و تأسف آمیز توصیف نمود:

*عقلای مملکت و مبعوثان ملت چاره اصلاح کلیه امور را منحصر به پول دیده در دارالشورای کبری از ابتدای افتتاح مجلس مشورتها شده و رأیها برای تأسیس بانک ملی داده شد و به شرح اعلانی که تا کره قمر گمان دارم نسخه‌اش پیران گردید چه امتیازاتی که از دولت گرفته به بانک ملی حصر نمودند، یا به امتحان یا به وجدان غیورانه از مرد وزن دیدیم و شنیدیم و در نصیحت‌نامه‌ها خواندیم هرکس به قدر مقدور وجهی داده و قبض از تحویلداران بانک ملی گرفتند کمالینکه خود این بنده*

۴۱. ع. دانشپور. بانک شاهنشاهی و امتیاز. تهران، چاپخانه موسوی، ۱۳۲۷. چاپ دوم. ص ۲۱.

۴۲. محمدعلی جمالزاده. گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران. تهران، کتاب تهران، ۱۳۶۲. ص ۱۰۰.

پارسال واسطه فروش محقر اشیاء یک محترمه... بودم که هشتاد تومان وجهش را به اسم بانک ملی داده ۱۶ ورقه قبض پنج تومانی گرفتم، چه شده که مروراً دیگر نه کسی پول داده و نه مسئله به این مهمی طرف محافظه و دقت گردید خدا می‌داند تا اینکه عقاید به استقراض از خارجه متفق گردید. خارجیا بر ما خندیدند که چه گریه‌ها از آن خنده‌ها در عالم وجدان و حیات ملیه‌انگینتند و به زبان حال گویا گفتند که ما خود بر اصول و قواعد بانک آگاهییم که اسم فقط و ضمیر مقدار اعتبارش محدود است.<sup>۴۳</sup>

### ب. بانک استقراضی و طرح تأسیس شعبه بانک شرقی آلمان در ایران

آلمانیها حداقل از اواسط سلطنت ناصرالدین شاه به بعد جهت حضور جدی‌تر سیاسی و نیز اقتصادی در ایران تلاشهایی کرده بودند اما هر بار به دلایل عدیده که مهم‌ترین آنها مخالفت روس و انگلیس بود با ناکامی روبه‌رو شده بودند.<sup>۴۴</sup> در صدر مشروطیت آلمانیها بار دیگر جهت ایجاد روابط سیاسی - اقتصادی فعال‌تر با ایران وارد صحنه شدند و این بار طرح تأسیس شعباتی از بانک شرقی آلمان در تهران و برخی شهرهای دیگر ایران مورد توجه آنان قرار گرفت تا علاوه بر رقابت با بانکهای شاهنشاهی و استقراضی روابط تجاری - اقتصادی آن کشور با ایرانیان را پوشش مالی - اعتباری دهد.<sup>۴۵</sup> دولت ایران نیز که از سالها قبل تحت فشار سیاسی - مالی بانکهای روس و انگلیس قرار داشت ترجیح می‌داد با تأسیس بانکی آلمانی در ایران از این فشارها اندکی بکاهد. در حالی که مجلس جدید مشروطه به دلایل عمدتاً سیاسی اخذ وام از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی را رد کرده بود، در شرایط بحران مالی دامنگیر دولت بانک آلمانی می‌توانست با اعطای قرضه‌ای کافی تنگنای مالی موجود را بکاهد.<sup>۴۶</sup> ضمن اینکه بانک ملی ایران که تأسیس آن در دستور کار مجلس شورای ملی قرار گرفته بود در بدو تأسیس می‌توانست از یاری مالی و فنی بانک آلمانی بهره‌برداری کند.<sup>۴۷</sup> در واقع جو

۴۳. روزنامه ندای وطن، سال دوم، ش ۱۸۳، چهارشنبه ۱۶ محرم ۱۳۲۶، ص ۳.

۴۴. فریدون آدمیت. پیشین. جلد دوم. صص ۸۶-۸۴.

۴۵. آنت دستره. مستخدمین بلژیکی در خدمت دولت ایران. ترجمه منصوره اتحادیه. تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳. ص ۱۵۷.

۴۶. چارلز عیسوی (ویراستار). تاریخ اقتصادی ایران: عصر فاجار. ترجمه یعقوب آژند. تهران، نشر گستره، ۱۳۶۲. چاپ اول. ص ۵۶۰.

۴۷. منیژه ربیعی. بانک و بانکداری در تاریخ ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران، دانشگاه آزاد اسلامی،

سیاسی حاکم بر کشور نیز تا حدی نسبت به حضور جدی آلمانیها در ایران تمایل نشان می‌داد و تأسیس بانک آلمانی در ایران را جهت نجات دولت و مردم کشور از سلطه روس و انگلیس و بانکهای آن کشورها در ایران لازم می‌شمرد. چنانکه برخی از نشریات کشور با تحلیل از نقش بانکهای شاهنشاهی و استقراضی در وابستگی اقتصادی - تجاری ایران به کشورهای روس و انگلیس تأسیس بانک آلمانی را برای کاهش این وابستگی مغتنم می‌شمردند.<sup>۴۸</sup> با این حال به دولت و مجلس شورای ملی هشدار می‌دادند که در اعطای اجازه تأسیس این بانک به آلمانیها تمام جوانب احتیاط را رعایت کنند تا مشکلی نظیر

آنچه از تأسیس و فعالیت بانکهای شاهنشاهی و استقراضی دامنگیر کشور شد حادث نشود.<sup>۴۹</sup> بگذریم از اینکه طرح تأسیس بانک آلمانی چند ماهی قبل از پیروزی انقلاب مشروطیت مورد توجه اولیای امور حکومت ایران واقع شده بود و چنانکه از اسناد و مدارک برجای مانده برمی‌آید در دوره صدارت مشیرالدوله بود که حکومت ایران تمایل خود را به اخذ وام از آلمان و تأسیس بانکی آلمانی در تهران اعلام کرد. نماینده



میرزا نصر الله خان مشیرالدوله [ ۳۱۴-۳۱ ] ع

تجاری آلمان در تهران در ۴ ژوئن ۱۹۰۶ در این باره به صدراعظم آلمان چنین گزارش داد:

→ واحد تهران، ۱۳۷۲. صص ۱۱۹-۱۱۸.

۴۸. برای نمونه بنگیرد به: روزنامه جبل‌المتین. سال اول، ش ۳۰، یکشنبه ۲۰ ربیع‌الثانی، ۱۳۲۵. صص ۲-۱؛ سال اول، ش ۱۱۶، یکشنبه ۶ شعبان ۱۳۲۵، ص ۲.

۴۹. روزنامه جبل‌المتین، سال اول ش ۳۲، سه‌شنبه ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵، صص ۳-۴.



مقامات ایرانی و آلمانی عضو هیئت امنای بانک ملی ایران؛ از چپ: محمدابراهیم علم، باقر کاظمی، محمود جم، اتو فوگل، فرج الله بهرامی، امیراعلم، محمدعلی فروغی، لیندن بلات، حسین سمعی، حسین شکوه، ابراهیم حکیمی، حسن ادهم [ ۱۳۱۸-ع ]